

تجارب انقلاب اسلامی

محمد مهدی بهاروند

مرکز بین المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ﷺ

سرشناسه:	بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	تجارب انقلاب اسلامی / محمد مهدی بهداروند.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۳۳۵ ص؛ ۲۱×۵/۱۴×۵/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۲۸۰-۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
موضوع:	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- رهبری
شناسه افزوده:	جامعه المصطفی (ع) العالمية.
رده بندی کنگره:	مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع) DSR۱۵۵۳/ب۹۲۶ت۳ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۶۳۲۴۱

حق چاپ برای این اثر محفوظ است.

تجارب انقلاب اسلامی

مؤلف: محمد مهدی بهداروند.

چاپ اول: ۱۳۹۴ اش / ۱۲۳۶ ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)

● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۵۵۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰ نسخه

باسباس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رسانند.

مراکز بخش

قم، چهارراه شهید، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸، تلفکس: ۳۷۸۳۹۳۰۵/۹ - ۰۲۵

قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۰۲۵ - فکس: ۳۲۱۳۳۱۴۶ - ۰۲۵

قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸. تلفن: ۳۷۸۴۲۴۰۲ - ۰۲۵

pub.miu.ac.ir miup@pub.miu.ac.ir

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی ره و مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی می‌باشد.

«جامعه المصطفی ص العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی ص «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی ص

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۹	بازتاب و دستاوردهای انقلاب اسلامی
۲۹	ضرورت الگوگیری از تجارب انقلاب اسلامی
۳۰	شرایط و کیفیت انتقال تجربه‌های انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه
۳۴	عواقب عدم انتقال تجارب انقلاب اسلامی
۳۶	وظایف حوزه‌های علمیه در انتقال تجارب
۳۷	درباره تحقیق
۴۵	معناشناسی
۴۵	انقلاب
۴۵	۱. معنای لغوی
۴۶	۲. معنای اصطلاحی
۵۳	اسلام
۵۳	انقلاب اسلامی
۵۵	تجارب

بخش اول: تجارب انقلاب اسلامی، پیش از پیروزی

۵۹	فصل اول: تجارب حاصل از رهبری و مرجعیت دینی
۶۳	ویژگی‌ها و تلاش‌های امام در رهبری

۱. اعتقاد به انجام وظیفه و تکلیف الهی ۶۳
۲. تربیت کادرهای انقلابی ۶۴
۳. بیان و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی ۶۴
۴. تنظیم و اجرای راهبردهای انقلاب ۶۴
۵. بسیج عمومی و به صحنه آمدن نخبگان و توده‌ها ۶۵
۶. آگاهی‌بخشی توده‌های اجتماعی توسط روحانیت ۶۵
- الف) حفظ و تقویت عزت اسلام و مسلمانان ۶۵
- ب) ایستادگی در برابر ظلم و فساد اجتماعی - سیاسی ۶۶
- ج) حریض و آماده‌سازی جامعه ۶۶
- د) بصیرت‌بخشی و رشد آگاهی مردم ۶۷
- ه) حمایت و پشتیبانی از استیفای حقوق و آزادی‌های ملت ۶۷
- و) حمایت از محرومان ۶۷
- ز) حفظ و تقویت جایگاه رهبری و بسیج اجتماعی - سیاسی ۶۷
- ح) حفظ و تقویت رابطه قلبی و مهرورزانه با مردم ۶۸
- ط) تقویت پیوند و وحدت با نهادهای اجتماعی مؤثر ۶۹
۷. تحقیر استکبار جهانی و شکستن بهت پوشالی آن ۶۹
۸. عدم ورود به مبارزه مسلحانه ۷۵
۹. استفاده از ایام و نمادهای مذهبی ۸۰
۱۰. استقلال طلبی و نفی ابرقدرت‌ها ۸۳
- الف) انقلاب اسلامی، راهی برای عبور از فرهنگ غرب ۸۴
- ب) انقلاب اسلامی، ابرقدرتی فرهنگی در تقابل با فرهنگ ابرقدرتی ۸۵
- ج) جمهوری اسلامی ۹۶
۱۱. افشاگری علیه جنایات رژیم پهلوی ۹۷
۱۲. اثبات عدم جدایی دین از سیاست ۱۰۰
- اثبات قدرت اسلام و تشیع برای حکومت ۱۰۳
۱۳. تأسی به قیام عاشورا ۱۰۸
- انقلاب عاشورایی ایران و بیداری اسلامی ۱۱۰
- فصل دوم: تجارب حاصل از مردم و نیروهای اجتماعی ۱۱۵
- مساجد، کانون مبارزه ۱۱۵

۱. نقش مسجد در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ۱۱۵
۲. مسجد، مرکز اطلاع رسانی ۱۱۷
۳. مسجد؛ محل دادخواهی، شعارهای انقلابی و سخنرانی ۱۲۱
۴. مسجد، پایگاه مبارزه مردمی در انقلاب ۱۲۱
۵. مسجد؛ آغازگر حرکت‌های انقلابی ۱۲۴
۶. حمله به مسجد ۱۲۷
۷. مسجد؛ پایگاه مبارزه مردمی در انقلاب ۱۲۸
۸. مسجد؛ محل تجهیز مبارزان انقلابی ۱۳۰
۹. زنان و ظرفیت‌های اجتماعی زنان ۱۳۱
۱۰. پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۱
۱۱. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۶
۱۲. اعتصاب عمومی کارکنان رسمی دولت ۱۴۲
۱۳. اهمیت اعتصاب کارکنان صنعت نفت از منظر امام خمینی رحمته الله علیه ۱۴۵
۱۴. حضور جوانان در میدان مبارزه ۱۴۶
۱۵. مراکز اصلی حضور جوانان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ۱۴۸
- الف) مسجد ۱۴۸
- ب) حوزه علمیه ۱۵۱
- ج) دانشگاه ۱۵۴
۱۶. نقش جوانان در پیروزی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه ۱۵۹
۱۷. فرهنگ شهادت‌طلبی ۱۶۰

بخش دوم: تجارب انقلاب اسلامی پس از پیروزی

۱. فصل اول: تجارب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۶۵
۲. رابطه امامت و امت (حاکمیت ولایت فقیه) ۱۶۵
۳. نقش رهبری در حفظ جهت‌گیری‌های اصولی انقلاب و نظام ۱۶۵
۴. نقش رهبری در مقابله با معضلات و دفع بحران‌ها ۱۶۶
۵. حفظ و دفاع از حقوق مردم ۱۶۶
۶. نظارت فعال بر حاکمیت ۱۶۷
۷. فرهنگ‌سازی و مرزبانی اخلاق و دین ۱۶۷

۱۷۴	تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت
۱۷۵	۱. فلسفه تأسیس شورای انقلاب
۱۷۶	۲. شکل‌گیری شورای انقلاب
۱۷۷	۳. اهداف تأسیس شورای انقلاب
۱۷۷	۴. مسئولیت شورای انقلاب
۱۸۰	تشکیل دادگاه‌های انقلاب اسلامی و محاکمه سران رژیم پهلوی
۱۸۵	اتکاب به آرای عمومی (مشارکت اجتماعی مردم در رفراندوم)
۱۹۰	حضور روحانیت در صحنه سیاسی
۱۹۵	۱. روحانیون و انقلاب اسلامی
۱۹۸	۲. نقش فرهنگی و سیاسی روحانیت در دوران جمهوری اسلامی
۲۰۲	جهانی کردن مبارزه با رژیم غیرقانونی اسرائیل
۲۰۷	استقلال دانشگاه‌ها (انقلاب فرهنگی)
۲۱۴	تدوین قانون اساسی
۲۱۷	۱. مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۱۹	الف) عرضه به افکار عمومی
۲۲۰	ب) کمیسیون‌های تخصصی خبرگان
۲۲۵	ج) بررسی در جلسات عمومی خبرگان
۲۲۵	د) مرحله رسیدگی نهایی
۲۲۵	ه) تصویب نهایی مجلس خبرگان
۲۲۶	و) همه‌پرسی در باره قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۲۶	۲. تدوین و تصویب قانون اساسی دوم جمهوری اسلامی - بازنگری سال ۱۳۶۸
۲۲۶	الف) ضرورت بازنگری در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸
۲۲۸	ب) متن فرمان بازنگری
۲۳۰	ج) شورای بازنگری در قانون اساسی
۲۳۱	د) نامه شورای بازنگری به امام خمینی
۲۳۲	ه) پیشنهادها و درخواست‌های بازنگری
۲۳۲	و) سیاست‌های کلی شورای بازنگری
۲۳۳	ز) تمدید مدت بازنگری
۲۳۳	ح) نتیجه کار شورای بازنگری

۲۳۴	ط) همه‌پرسی قانون اساسی جدید
۲۳۴	نهادسازی سیاسی - فرهنگی انقلاب اسلامی
۲۳۴	۱. تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی
۲۳۵	الف) فلسفه وجودی شورای نگهبان
۲۳۷	ب) ترکیب و کیفیت انتخاب اعضای شورای نگهبان
۲۳۹	ج) وظایف و صلاحیت‌های شورای نگهبان
۲۳۹	د) وظایف خاص فقهای شورای نگهبان
۲۴۰	ه) وظایف و صلاحیت‌های نهاد شورای نگهبان
۲۴۲	۲. تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴۴	الف) وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴۵	ب) تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی)
۲۵۱	فصل دوم: تجارب اقتصادی انقلاب اسلامی
۲۵۱	نهادسازی حمایتی اجتماعی انقلاب
۲۵۱	۱. تشکیل بنیاد مستضعفان
۲۵۲	۲. تشکیل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۲۵۳	۳. تشکیل جهاد سازندگی انقلاب اسلامی
۲۵۳	الف) زمینه‌های پیدایش جهاد سازندگی
۲۵۷	ب) اهداف جهاد سازندگی
۲۵۹	۴. تشکیل کمیته امداد امام خمینی (ره)
۲۶۱	فصل سوم: تجارب نظامی - امنیتی انقلاب اسلامی
۲۶۱	نهادسازی نظامی - امنیتی
۲۶۱	۱. تشکیل کمیته انقلاب اسلامی
۲۶۲	۲. تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲۶۳	تجارب مرتبط با مهار تهدیدات داخلی
۲۶۳	۱. مدیریت بحران گروهبان‌های سیاسی - نظامی
۲۶۴	الف) غائله خلق عرب در خوزستان
۲۶۵	ب) غائله کردستان
۲۶۶	ج) عملیات ضد شورش

۲۶۷	د) شورش نیروهای چپ در ترکمن صحرا.....
۲۶۹	ه) غائله خلق مسلمان در آذربایجان.....
۲۷۲	یکم: اتمام حجت امام خمینی با آقای شریعتمداری.....
۲۷۷	دوم: تلاش علما برای جدا کردن شریعتمداری از ضد انقلاب.....
۲۷۷	سوم: آیت الله شریعتمداری و کودنای نوژه.....
۲۷۸	چهارم: اقدام جامعه مدرسین در خلع شریعتمداری از مرجعیت.....
۲۷۸	۲. کودنای نظامی نوژه.....
۲۹۰	تجارب مرتبط با تهدیدات خارجی.....
۲۹۰	۱. حمله نظامی آمریکا به طیس.....
۲۹۲	۲. جنگ تحمیلی (دفاع مقدس).....
۲۹۳	الف) علل آغاز جنگ.....
۲۹۵	ب) تهدیدات صدام برای جنگ تحمیلی.....
۲۹۸	ج) حمایت‌های جهانی از صدام.....
۳۰۱	د) ناکامی صدام در دستیابی به اهدافش.....
۳۰۳	ه) ضرورت تبیین تجربیات جنگ.....
۳۰۶	یکم: تجربه سیاسی.....
۳۰۹	دوم: تجربه فرهنگی.....
۳۱۲	سوم: تجربه اقتصادی.....
۳۱۶	چهارم: تجربه نظامی.....
۳۲۰	پنجم: هدف بسیج.....
۳۲۳	تحلیل نهایی.....
۳۲۳	تولید ادبیات جدید اداره کشور.....
۳۲۴	تولید و تدوین فلسفه سیاسی.....
۳۲۷	کتابنامه.....
۳۲۷	کتاب.....
۳۳۳	مقالات.....
۳۳۳	نشریات و مجلات.....
۳۳۴	گفت‌وگوهای انجام شده.....

مقدمه

در این نوشتار، چگونگی تحقق انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و ریشه‌های آن با رویکردی به تجارب مثبت و سازنده آن در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی کنکاش شده است. ضرورت این پژوهش، آن‌گاه آشکار می‌شود که نقش انقلاب اسلامی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پدیدار شود. انقلاب اسلامی هنگامی رخ داد که جهان از دوران مدرنیته به سوی دوران پست مدرنیته می‌رفت. انقلاب اسلامی در این دوره توانست تحولی در اندیشه‌های نظام‌های سیاسی بیافریند و توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کند.

بی‌گمان، تحلیل تجارب مثبت و سازنده انقلاب اسلامی، در قدم نخست در گرو تحلیل صحیح از انقلاب اسلامی است. تحلیل انقلاب اسلامی باعث شناسایی حوزه‌های آسیب‌پذیر انقلاب اسلامی خواهد شد. سه نظریه درباره انقلاب اسلامی وجود دارد:

۱. انقلاب اسلامی، حرکتی ضد استبدادی در قالب اندیشه‌ای محدود

در یک جغرافیا و نژاد و خاک خاص است. این نگاه به انقلاب، مانع ابرقدرت‌ها نخواهد بود.

۲. انقلاب اسلامی، حرکتی ضد استعماری است.

۳. انقلاب اسلامی، برخاسته از فطرت انسان‌ها علیه مدرنیسمیون

بین‌المللی است.^۱

تعریف سوم، صحیح‌ترین تعریف از انقلاب اسلامی است؛ زیرا انقلاب اسلامی به عنوان کانونی علیه مدرنیسم در جهان مطرح شد و توانست در دوره زمانی کوتاه، پرچم عدالت‌خواهی را از دست رقیب بگیرد. پس از انقلاب اسلامی، دو نظریه درباره آینده جهان مطرح گردید: ۱. فرانسیس فوکویاما نظریه پایان تاریخ را در کتاب، «پایان تاریخ و آخرین انسان» (The end of history and the last man)، ارائه کرد.^۲

وی پایان تاریخ را این‌گونه توصیف کرده است:

با پایان گرفتن جنگ سرد، عصر رقابت و حاکمیت ایدئولوژی‌ها به سر آمده است و جامعه بشری در آینده رو به دموکراسی لیبرال می‌رود و دموکراسی لیبرال، آخرین شکل حکومت و «پایان تاریخ» خواهد بود و انسان امروز هیچ راهی بجز پذیرفتن این ایدئولوژی ندارد. این قدرت نظامی و اقتصادی نبود که موجب برتری تاریخی آن شد. امروزه اتفاق نظر قابل توجهی درباره مشروعیت دموکراسی لیبرال پدید آمده و ممکن است دموکراسی لیبرال، نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشریت و آخرین شکل حکومت بشری باشد.^۳

۱. محمود دیانت، تحلیل انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۷۶.

2. Francis Fukuyama, The End of History. The National Interest. 16 (Summer) 1993. (PP.1-18).

۳. فرانسیس فوکویاما، فرجام تاریخ و آخرین، ترجمه علی‌رضا طیب، سیاست خارجی، ش ۲، ۱۳۷۲ (۳).

فرانسیس فوکویاما ارائه کرد؛ زیرا فوکویاما معتقد بود تنها راه نجات نظام‌های سیاسی، توسل به لیبرال دموکراسی است. هانتینگتون، نه با فوکویاما، بلکه بیشتر با اندیشه لیبرال دموکراسی مخالف است.

هانتینگتون، بی‌آن‌که همچون برخی از تحلیل‌گران، پایان جنگ سرد را ختم مناقشات ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید «برخورد تمدن‌ها» می‌انگارد و براساس آن، بسیاری از حوادث و رخداد‌های جاری جهان را به‌گونه‌ای تحلیل می‌کند که در جهت تحکیم انگاره‌ها و فرضیات نظریه جدیدش باشد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از جهات متعددی، موجب شگفت و حیرت جهانیان گردید. از یک سو، انقلاب اسلامی در زمانی رخ داد که اندیشه حاکم بر قرن بیستم، یعنی سکولاریزم، وقوع آن را محتمل نمی‌دانست. انقلابی در ایران به ثمر رسید که با توجه به دینی بودنش، مشابهی در انقلابات دو قرن اخیر نداشت. نه تنها هیچ یک از انقلابات مدرن در دو قرن اخیر، مذهبی نبود؛ بلکه کمتر جنبش و حرکت توده‌ای را می‌توان پیدا کرد که به گونه انقلاب ایران با مذهب عجین شده باشد. در دو قرن اخیر، برخی از انقلاب‌ها، مثل انقلاب‌های روسیه، چین و کوبا، ضد مذهبی بودند. اگر در پیشایش انقلاب الجزایر، نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، بسیاری از رهبران مذهبی دیده می‌شد، بدین مفهوم نبود که این حرکات‌ها و جنبش‌ها، به خاطر دین رخ داده‌اند. انقلاب اسلامی در سرزمینی رخ داد که رژیم سیاسی آن به عنوان ژاندارم منطقه، از دولت‌های قدرتمند و سرکوب‌گر آسیا و خاورمیانه به حساب می‌آمد و تصور سقوط آن توسط مردم، رؤیایی خام بود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دو سؤال اصلی را فراروی پژوهشگران عرصه سیاست قرار داد:

۱. چرا رژیم مقتدر و بانبات پهلوی، در بهمن ۱۳۵۷ سرنگون گردید؟
 ۲. چرا ناسیونالیسم و مارکسیسم نتوانست رژیم پهلوی را ساقط کند و اسلام اندیشه روحانیت توانست این رخداد عظیم را بیافریند؟^۱
- تاکنون پژوهشگران فراوانی در تمام دنیا از نگاه‌های گوناگون به این دو سؤال پاسخ داده‌اند و به تحلیل ریشه‌های انقلاب اسلامی پرداخته‌اند؛ ولی هنوز هم بسیاری از ابعاد انقلاب اسلامی ناشناخته مانده است و بسیاری از فرضیه‌ها و نظریه‌های ارائه شده، توان تحلیل این پدیده استثنایی را ندارند. از این رو، به نظر می‌رسد برای تحلیل ریشه‌های این انقلاب، باید بار دیگر به بازنمایی انقلاب اسلامی بپردازیم.
- در این نوشتار، انقلاب از طریق لایه پنهان آن کنکاش شد، که تاکنون کمتر پژوهشگری به آن پرداخته است.
- به طور کلی، نظریه‌های جامعه‌شناختی انقلاب را، می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:
۱. گروه نخست، نظریه‌های کلاسیک انقلاب است که برای تحلیل و تبیین انقلاب، به طور عمده بر یک عامل تأکید می‌کند.
 ۲. گروه دوم، نظریه‌های جدیدتری است که با دخالت دادن برخی عوامل، از تحلیل‌های تک‌عاملی دوریگزید، و به تبیین احتمال وقوع انقلاب بسنده کرد.

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ص ۸۶.

۳. گروه سوم، نظریه‌های چند دهه اخیر است که ضمن بررسی جزئیات، به تجزیه و تحلیل انقلاب‌های جهان سومی همت گماشت.
۴. گروه چهارم، نظریه‌های دو دهه اخیر است که فقط به تحلیل انقلاب اسلامی پرداخته است.

امام خمینی، معمار انقلاب اسلامی، در بخشی از وصیت‌نامه خویش می‌نویسد:

«شک نباید کرد که این انقلاب از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در شیوه پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه قیام. وی انقلاب اسلامی را «تحفه‌ای الهی» و «هدیه‌ای غیبی» می‌داند که از سوی خداوند منان به این ملت مظلوم و غارت‌زده عنایت شده است. از منظر وی، اهمیت این انقلاب در «اسلامی بودن» و «ادعای پیاده کردن اصول و قواعد اسلام» در جامعه و زندگی انسان‌ها است.^۱

ضرورت شناخت انقلاب اسلامی، پژوهش در میزان تأثیر آن در ایران و کشورهای دیگر و بازخوانی متفکرانه آثار در زمینه انقلاب اسلامی، بر کسی پوشیده نیست.

متأسفانه با این که بیش از سی سال از عمر انقلاب می‌گذرد، هنوز در مسیر پژوهش‌های ویژه انقلاب اسلامی، در آغاز راهیم. از این رو رهبر معظم انقلاب فرمود:

«این انقلاب با این عظمت و با این ابعاد و با این آثار علمی، از لحاظ ارائه مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب‌های دنیاست».^۲

۱. امام خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، ص ۱۴.

۲. رهبر معظم انقلاب در جمع نمایندگان طلاب، ۱۳۶۸.

«رابرت. دی. لی»، پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه کلرادو، درباره عظمت و ابعاد ناشناخته این رستاخیز اسلامی می‌گوید:

انقلاب اسلامی، پیچیده و اسرارآمیز به نظر می‌رسد: مساوات‌طلب است، اما در عین حال سستی نیز به نظر می‌رسد. بیگانه‌گریز است، اما به ندرت انزواگرا است و نمایانگر انقلاب‌های فرانسه، روسیه یا تجربه آمریکا نیست. نظریه‌های علوم اجتماعی راجع به نوسازی، خواه مارکسیست، خواه ملهم از سرمایه‌داری لیبرالی، نتوانستند وقوع آن را پیش‌بینی کنند و هنوز توضیح قانع کننده‌ای برای آن نداده‌اند. تنها در دل تاریخ اسلام، که با اعتراض‌های زاهدانه ادواری متمایز است، می‌توان معنایی برای این جنبش عظیم، که جهان اسلام را درنوردیده است، پیدا کرد.^۱

انقلاب اسلامی ایران، اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های اروپایی نبود و بدون حمایت قدرت‌های بزرگ به حیات سیاسی خویش ادامه داد. جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و به وسیله روحانیان رهبری می‌شد. مردم در مقایسه با سایر انقلاب‌ها، احساس همبستگی بیش‌تری در روند انقلاب از خود نمایان ساختند. حزب حاکم یا پشتمانی که به هدایت یا رهبری مردم پردازد، وجود نداشت و در نتیجه، برای اولین بار در تاریخ انقلاب‌های مدرن، رهبران توانستند به اقتدار و حاکمیت کامل و همه‌جانبه دست یابند و جز فعالیت‌های بالقوه و پراکنده مجموعه‌های ضد انقلاب، هیچ نیرو و عنصر باز دارنده‌ای وجود نداشت.

در انقلاب اسلامی، نقش جدی و اساسی‌تری ایفا کرد. در انقلاب اسلامی، نیروی مردم و گروه‌های اجتماعی برای انجام تحولات انقلابی،

۱. مجله «مطالعات جنوب آسیا در خاورمیانه»، ج ۱۳، ش ۳، ش ۹۹۰.

از مذهب گرفته می‌شود و مذهب را می‌توان مهم‌ترین نیرو و حامی آزادسازی دانست. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

مردم شریف ایران باید آگاه باشند که تمامی پیروزی‌های ایجاد شده در سراسر کشور، همراه با روح اعتقادی به اسلام بوده است. مذهب، همکاری قاطبه مردم را برانگیخت. پیروزی با اراده خداوند متعال به دست آمده است.

مذهب، به عنوان بنیان و اساس جنبش انقلابی و رژیم حاصل از آن، ماهیت و شکل جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار داد.

از سوی دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی، خط بطلانی بر نظریه‌های انقلاب بود. بارتاب این پیروزی در درجه اول، سبب حیرت کانون‌های سیاسی و دانشگاهی شد؛ زیرا آنها، بر اساس مطالعات خود از انقلاب‌های گذشته، هرگز نمی‌توانستند تصور کنند که چنین حادثه‌ای در ایران رخ دهد. این رویداد از نظر تاریخی آن قدر مهم بود که سبب تغییر در نظریه‌ها شد. تدا اسکوکپل در این زمینه می‌گوید:

در سقوط رژیم شاه، آغاز نهضت انقلابی ایران ما بین ۱۹۷۷ - ۱۹۷۹ به عنوان یک شگفتی فکری برای ناظران خارجی، اعم از دوستان شاه تا روزنامه‌نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی، از جمله آنهایی که چون من به اصطلاح از کارشناسان انقلاب‌ها هستیم، همه ما حوادث انقلاب را با حیرت و ناباوری نظاره می‌کردیم. بالاتر از همه، انقلاب ایران، پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود. این انقلاب، بی‌تردید یک انقلاب اجتماعی است. پروسه انقلاب، بویژه حوادثی که منجر به سقوط شاه شد، علت‌هایی را که در مطالعه تطبیقی خود از انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین مطرح کرده بودم، با پرسش روبه رو ساخت.^۱

۱. منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، ص ۳۱۲.

«تداسکوکیل» در سال ۱۹۸۲م در مقاله‌ای به بررسی انقلاب اسلامی ایران پرداخت و کوشید دستاوردهای نظری خود را با این انقلاب محک بزند. نوشته وی درباره خصوص انقلاب اسلامی، بیش از این هر چیز نشان‌دهنده تحول برداشت‌های قبلی وی در تحلیل و تبیین انقلاب‌هاست. وی هنگام بررسی عوامل ظهور انقلاب ایران، نقش ایدئولوژی و باورهای فکری و فرهنگی در ایجاد بسیج سیاسی و تبدیل تلاطماتی‌ها به کنش اجتماعی - سیاسی را یادآور شد؛ در حالی که بیشتر نظریه‌پردازان، به‌ویژه گروهی که جامع‌شناسانه به بررسی انقلاب پرداخته‌اند، ایدئولوژی و نظام عقاید، به دلیل روئایی بودن، از حوزه کارشناسی خارج می‌شوند. اسکوکیل به ایدئولوژی و نقش آن، جایگاهی چون دیگر متغیرهای ساختاری می‌بخشد.^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نابودی آن در دستور کار ابرقدرت‌های شرق و غرب قرار گرفت و آنها توانستند بر اساس رهنمودهای تئورسین‌های فکری خود، تمام ابزار و حربه‌های خود را علیه انقلاب اسلامی به کار گیرند. خوشبختانه آنها تاکنون نتوانسته‌اند به هیچ یک از اهداف خود دست یابند و در مقابل، انقلاب اسلامی حرکت پرشتاب تکاملی خود را می‌پیماید.

بازتاب و دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی توانست از بطن دین، مفاهیم و روش‌های سیاسی کاملاً مؤثری را ارائه کند که در تاریخ نهضت‌های اسلامی بی‌سابقه است.

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: اسکاچپول، تداسکوکیل، حکومت تحصیلدار در ایران، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه مجید روئین تن.

این نهضت از راه بسیج توده‌های مسلمان، با رهبری واحد و بهره‌گیری از نهادهای جامعه دینی، نه تنها شکست عینی و عملی کفر و چهره‌های (ملی‌گرا، کمونیست و منافق را در ایران ممکن ساخت؛ بلکه با روشنگری ویژه‌ای، بسیج قدرت جهانی اسلام را به همگان نشان داد.

پیش از نهضت امام خمینی، اندیشه‌های سیاسی بسیاری در جهان اسلام مطرح شد و در قالب جنبش‌های سنتی، احزاب اسلامی و ملی‌گرا بدیدار گشت؛ اما عملکردهای آنها یا به انحراف از اصول انجامید یا نتیجه مطلوب را به بار نیاورد و عقیم ماند.

در تاریخ معاصر اسلام، برای نخستین بار، از جنبش‌های اسلامی، یکی قدرت آن را پیدا کرده است که انقلابی را شکل دهد، و آن را با شیوه‌ای مردمی عیان کرده و پیاده نماید. در نتیجه، می‌توان گفت که با حرکت اسلامی مردم ایران، اسلام توانسته است هم از جنبه نظری (کتوریک)، و هم از بعد عملی (پراتیک) عینیت یابد و مصداق خارجی پیدا کند.^۱

در انقلاب اسلامی ایران، جریان سیاسی، دست رد به همه ارگان‌های حکومتی زد و مبارزه‌ای قهرامین را علیه قدرت حاکم آغاز کرد. این جریان از آن‌جا که قدرت انقلابی خود را از متن دین می‌گرفت و به خاطر حفظ منافع طبقاتی نمی‌جنگید، حمایت عموم مردم را جلب کرد. این جریان ممتاز، در معارضة قاطع با نظام حاکم، خطوط نظام جدیدی را از متن دین، با نهادهای ویژه‌اش (سپاه، بسیج، جهادسازندگی و...) طراحی کرد، و عملاً ابهت حامیان نظام حاکم را شکست. موفقیت طراحی و اجرای این نظام سیاسی، با استقبال دیگر مسلمانان و

۱. حرکت امام خمینی (علیه السلام) و تجدید حیات اسلام، ص ۹۷.

جنبش‌های اسلامی قرار گرفت. نشانه‌های صریح و آشکار این تأثیرپذیری، در کشورهای اسلامی دیده شد.

نقش ضد طاغوت و هدایت‌کننده انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک الگو برای جنبش جماعت اسلامی مصر، به هیچ وجه قابل انکار نبود. «عبدالرزم» که نقش اصلی در طراحی عملیات اعدام انقلابی سادات را برعهده داشت، بعدها به تأثیرات مهم الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران تأکید کرده بود.^۱

آنچه که جنبش‌های اسلامی و مسلمانان را به الگوپذیری از انقلاب ایران، بیش از پیش ترغیب می‌کرد، ناامیدی از جنبش‌هایی مردمی بود که به حکومت‌های وابسته به استعمار و سازش با نهادهای غربی، روی آورده بودند.

ضعف و خمول حاکم بر علمای الازهر، از دیگر مواردی بود که بحران هویت و مشروعیت رژیم سادات و مبارک را تشدید می‌کرد، زیرا آن علمای بر اساس اصل تسلیم‌طلبانه اولی الامر بودن هر حاکم و بسته بودن باب اجتهاد، هیچ پاسخی برای سؤالات مردم مصر نداشته و ندارند و در این بین نیز جز تأمین اهداف حکومت، وظیفه دیگری را برای خود تصور نمی‌کردند.^۲

ظهور انقلاب اسلامی در ایران، اهمیت و ضرورت بازسازی نقش رهبری در هدایت جنبش‌های اسلامی را - که اغلب توسط رهبران ملی‌گرا تغذیه فکری می‌شدند - افزون می‌کرد. افزون بر شیعیان در عراق و لبنان، که وابستگی تاریخی و فرهنگی عمیقی با ایران داشتند، سایر مسلمین نیز با تحلیل نقش رهبری در هدایت خیزش مردمی، سعی کردند الگوی حکومت اسلامی ایران را به بهترین شکل ممکن آن پیاده سازند.

۱. اسلام‌گرایی در مصر، ص ۶۸.

۲. همان منبع، ص ۲۵.

نخستین جنبش اهل سنت که به وضوح بر نقش دانشمندی دینی از تبار روحانیت در هدایت انقلاب تأکید کرد، جماعت اسلامی است. از آن جا که فقدان اندیشه سیاسی مبتنی بر مبارزه علیه حاکم ستمگر در میان علمای اهل سنت، سال های متمادی نقش مخرب خود را بر نهادهای اجتماعی و انقلابی حک کرده بود، چنین حرکتهایی عاری از اشتباه نبود زیرا برای بیشتر جنبش ها و احزاب سنتی اسلامی که دچار بیماری خود صالح بینی بودند، پذیرفتن رهبر روحانی، مشکل بود. خطایی که از این عارضه طولانی مدت، نصیب جنبش جماعت اسلامی در مصر گردید، تدوین مرامنامه جنبش به دست فردی بود که بدون شناخت کافی از مباحث فقهی و همواره شتاب زدگی صورت گرفت، حال آن که قرار بود اقدام تئوریک جنبش توسط «شیخ عمر عبدالرحمن» انجام شود. تدوین جزوه «الجهاد فریضه الغائبه» توسط عبدالسلام فرج انجام شد. پس از دستگیری اعضای این جنبش، رژیم مصر با کمک علمای الازهر، ضربه های عمیقی به حیثیت فکری و اندیشه سیاسی جنبش وارد کرد. عمل رهبران جماعت اسلامی مصر، به طور کامل از جریان های متعدد سیاسی، روشنفکری و اسلام گرای معاصر و پیشین خود، متمایز گردید و علاوه بر آن، از حمایت های قوی توده ای و جلب اعتماد عمومی برخوردار شد.^۱

خیزش غافلگیر کننده انقلابیون مصر، که بلافاصله پس از پیروزی درخشان انقلابیون ایران انجام شد، دیگر متفکران و تحلیلگران جنبش های اسلامی را به نقش عظیمی که روحانیون و علمای دینی می توانند در بسیج و هدایت مردم بر عهده بگیرند، آگاه کرد.

«راشد الغنوشی»، رهبر حرکت اسلامی «النهضة» در تونس، که دیدگاه‌های خود را درباره امام خمینی رحمته الله علیه و نهضت او در روند وقوع انقلاب اسلامی به طور صریح نوشت. درباره رهبر روحانی انقلاب اسلامی می‌گوید:

وجود علما، در هدایت انقلاب ایران، ویژگی ممتاز آن است. ما برخلاف این انقلاب، در کادر رهبری تمامی جنبش‌های اسلامی در سال‌های اخیر می‌بینیم که هدایت تمامی این جنبش‌ها بر عهده روشنفکران مذهبی بوده است. مثلاً در تونس، ضعف تشکیلات دینی اهل سنت، به سقوط اساسی جنبش اسلامی منجر گردید. وجود روشنفکران مذهبی در رهبری، آن چنان که باید، اعتماد توده‌های مردم را جلب نکرده. لذا رفته رفته مردم به علما، اعتقاد می‌یابند و از ایشان اطاعت می‌کنند؛ چرا که از طرفی روحانیون را راهنمای واقعی خود به سوی خدا می‌بینند، و از طرف دیگر، آنها اصول اعتقادی مردم را چون قرآن به خوبی می‌فهمند و تفسیر می‌کنند، و مهم‌تر از همه به زبان توده‌ها، با آنها سخن می‌گویند.^۱

دکتر «کلیم صدیقی»، که ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را بسیار موثکافانه تجزیه و تحلیل کرده است، درباره تفاوت رهبری انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های دیگر می‌گوید:

رهبریت انقلاب اسلامی در ایران از این جهت به توسط علما انجام نگرفت که چون کارآمدتر از روشنفکران بودند، بلکه به این دلایل به علما سپرده شد که در مرتبه نخست، آنها طبقه‌ای از مردم بودند که به هیچ وجه تحت نفوذ فرهنگ غربی قرار نداشتند و آلوده نشده بودند. و دیگر آن‌که علما از اسلام اطلاع کافی داشتند،

۱. حرکت امام خمینی رحمته الله علیه و تجدید حیات اسلام، ص ۹۹.

و لذا جهان‌بینی کاملی را مطرح می‌کردند که به‌کلی با جهان‌بینی مسلط انسان غربی فرق داشت.^۱

استراتژی وحدت جهان اسلام که سالیان دراز، از سوی سید جمال الدین، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، جمعیت دارالتقریب و شیخ محمد ابوزهره در مصر، مراجع شیعه در عراق، حسن البنا و ابوالعلا مودودی و بسیاری شخصیت‌های دیگر تبلیغ شده بود، با رهبری امام خمینی به صورت عینی بین توده‌های گوناگون و اقوام مسلمان تحقق یافت.

در مدت زمانی کوتاه، مؤلفه «وحدت جهان اسلام» در کنار دو مؤلفه «رهبری نوین سیاسی» و «تشکیل نهادهای خاص نظام اسلامی» موجب رشد سریع جنبش‌های انقلابی و اسلام‌گرایی گردید. این حرکت جهانی، چنان گسترده و عمیق بود که چاره‌ای جز مقابله با امواج بیدارگر آن توسط حاکمان مرتجع به ظاهر مسلمان و حکومت‌های وابسته، و تحریف حقایق عینی آن به وسیله رسانه‌های گروهی دنیای غرب، باقی نگذاشت.

سال ۱۹۸۰ میلادی، سالی بسیار حیاتی برای مسلمانان اروپایی تبار بود؛ چون با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روح تازه‌ای در کالبد همه مسلمانان، به‌ویژه مهاجران مسلمان، دمیده شد؛ چنان‌که در انگلستان، مسلمانان فعالیت‌های بسیاری برای اصلاح قوانین و معرفی انقلاب اسلامی ایران انجام دادند. شاید هیچ کشوری بهتر از فرانسه، که مکان حضور امام خمینی رحمه‌الله بوده و شخصیت ایشان را بهتر فهم کرده است، نمی‌تواند گویای تأثیر مثبت انقلاب و روند تسریع فعالیت‌های اسلام‌گرایی در اروپا باشد.

۱. حامد الگار، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، ص ۱۲۷.

در فرانسه، بیش از چهار و نیم میلیون مسلمان زندگی می‌کنند، که از این رقم، حدود چهل هزار نفر فرانسوی به اسلام گرویده را می‌توان نام برد. بدین گونه، اسلام دومین مذهب در فرانسه به شمار می‌آید. افزایش برنامه‌های تبلیغی و تعلیم آرمان‌های اسلام، به‌ویژه در پاریس، میلیون‌ها فرانسوی روشنفکر در مسائل مذهبی را تحت تأثیر قرار داده است. در بین فرانسویان به اسلام گرویده و متأثر از نهضت روشنگر امام خمینی رحمه‌الله، نام چند دانشمند و محقق همچون «روژه گارودی» و «موریس بژار» مشاهده می‌شود. براساس آمار منتشره، در فرانسه ۴۱۰ مرکز اسلامی وجود دارد، که از این مراکز بیش از پنج سال نیست که دایر گردیده‌اند. اکنون تنها در پاریس تعداد ۵۱ مسجد، (و حداقل ۱۲۰ محل) برای اجتماعات مذهبی و برپایی نماز وجود دارد. لذا تعداد مسلمانان معتقد و واقعی، هر سال نسبت به سال قبل در افزایش است، و گرایش جدی مسلمانان به اجرای دستورات مذهبی، به وضوح قابل مشاهده است.^۱

استقلال نامیبیا و موج صلح موجود در جنوب آفریقا، به هر صورت، نتیجه‌ای از حرکت ایران بود علاوه براین، جمهوری اسلامی ایران با رهبری امام خمینی یک حامی سیاسی، دیپلماتیک و مادی برای حرکت‌های آزادی بخش در جنوب آفریقا و استان‌های مرزی تحت حمایت آن به شمار می‌رفت. انقلاب ایران به مستضعفان در حال جنگ جنوب آفریقا نیز کمک دومی در جنگ علیه سلطه نژادی داد.^۱

اتکا و اعتماد جنبش‌های اسلامی بر توده‌های مردم به عنوان مهم‌ترین استراتژی موفق و پیروزمند و تکیه بر نیروی معنوی ایمان مردم، به دور از سازش‌های سیاسی، از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای

۱. حسن الترابی، گفت‌وگو با روزنامه کیهان، ۱۳۷۱/۱۲/۸.

نهضت دینی امام خمینی بود که مسیر مبارزاتی جنبش‌های اسلامی را روندی جدید بخشید و به آینده موفق امیدوار ساخت.

نتیجه‌گیری دیگری از انقلاب اسلامی، این است که یک نهضت اسلامی نه تنها به خودی خود با مخالفت کلیه ابرقدرت‌ها و عمال محلی آنها روبه‌رو می‌گردد؛ بلکه چنین نهضتی برای این که اصیل باشد و شانس موفقیت داشته باشد، باید سازش‌ناپذیر بماند.^۱ سیره عملی و موفق امام خمینی در تشکیل حکومت اسلامی، تأمین منافع عموم مردم مسلمان و گره زدن نهضت اسلامی با توده‌های مردم را به عنوان استراتژی موفق در مسیر مبارزات ضد استعماری بازگو کرد.

این انقلاب، نتیجه دیگری نیز در بردارد و آن، این است که نهضت اسلامی چنانچه با منافع و خواست‌های مردمی به نحو صمیمی تلفیق باشد و یا در سطح ایدئولوژی محض محصور نگردد و چنانچه سازش‌ناپذیر بوده و هرگونه مشارکت در نظام موجود را رد کند، قادر خواهد بود بر کلیه رقبای غیر مذهبی سبقت جوید.

بنابراین مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی امام خمینی رحمه‌الله بوده است. اندیشه ظلم‌ستیزی امام خمینی رحمه‌الله، که برخاسته از تفکر دینی و باور ناب مذهبی وی است، از یک سو با طرح پدیده ظلم‌ستیزی به عنوان تکلیف دینی، موجب می‌شد این تفکر با عیونت دینی امت اسلامی گره بخورد و برای همیشه از الزامات و تکالیف دینی و نقش‌آفرین گردد و از سوی دیگر، روحیه مبارزه با ظلم و قدرت‌های استکباری را در عمق جان توده‌های تحت ستم بکارد و بدین سان، زمینه خیزش و جنبش‌های رهایی بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم سازد.

۱. محمد امین امین، نهضت‌های بین‌المللی اسلامی و تأثیر آن بر نهضت اسلامی اندونزی، مجله حضور، شماره ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰.

اگر تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، رویارویی با دنیای استکباری و ایستادگی در برابر غرب، تنها یک آرمان و ذهنیت دور از واقعیت تلقی می‌شد؛ با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیروزی همه جانبه آن، مستضعفان به مبارزات ضد استعماری و رهایی‌بخش امیدوار شدند و نهضت‌های اسلامی جان تازه‌ای یافت.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌های اسلامی بسیاری در جهان اسلام بود؛ اما این جنبش‌ها به دلیل فشارهای سیاسی در ترس و هراس و نگرانی بودند و به دلیل وضعیت حاکم هراس داشتند که حرکت خود را علنی سازند و مسلمانان را بسیج کنند و به مبارزه بپردازند. انقلاب اسلامی این دیوار ترس را فرو ریخت و به حرکت‌های اسلامی این درس را آموخت که می‌توان با بهره‌گیری از نیروهای مسلمان، بزرگ‌ترین قدرت‌ها را به زیر کشید. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، توده‌های مسلمان در سودان، الجزایر، تونس، مصر و... به پا خاستند و ملت‌های مسلمان گام‌هایی به پیش برداشتند و حرکت توده‌های مسلمان در سراسر جهان اسلام رشد فزاینده‌ای یافت و خیزش فرهنگی و آگاهی‌بخش سیاسی، همه منطقه را فراگرفت.^۱

اندیشه جدایی دین از سیاست، که تحمل و سازش با قدرت‌های استکباری و حاکمان ستمگر را توجیه می‌کرد، به تلقی عام و فراگیری تبدیل گشته بود. انقلاب اسلامی ایران، روند جدیدی را در مسیر حرکت تکاملی نهضت‌های اسلامی ایجاد کرد و پس از سال‌ها رکود و وقفه، بدان تحرک و پویایی بخشید.

شاید نادیده گرفتن نفوذ بین‌المللی انقلاب ایران ممکن نباشد:

۱. حسن الترابی، گفت‌وگو با روزنامه کیهان، ۱۳۷۱/۱۲/۸.

حتی در مواردی که برخی از مسلمانان نسبت به جنبه سیاسی اسلام بی اعتقاد شده بودند، انقلاب اسلامی ایران با احیای این جنبه، اعتقاد راسخ آنان را به این مطلب اعاده کرد و نشان داد که مسلمانان بار دیگر قادر خواهند بود استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را به دست آورند و یک بار دیگر به قدرتمندترین نیروی بین‌المللی تبدیل شوند.^۱

اندیشه ظلم‌ستیزی امام خمینی رحمه‌الله، زمینه‌های باروری و شکوفایی خیزش‌های اسلامی را فراهم آورد. امام خمینی رحمه‌الله درباره وظیفه ظلم‌ستیزی فرمود: «برای من، مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهم بود.»^۲

ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، زمانی که صبغه دینی و مکتبی به خود می‌گیرد، از قوی‌ترین انگیزه‌ها برخوردار می‌گردد. نگرش سیاسی امام خمینی به تکالیف اجتماعی دین، موجب شد دین در عرصه‌های اجتماع حضور یابد و نقش چشمگیر خود را در انگیزش و بسیج توده‌های مردم علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان، بیش از پیش ایفا کند.

خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این‌طور اشخاص، با این‌طور ظلم، با اینهایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می‌دهند، ما مکلفیم که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم. اگر یک وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌کنیم و معارضه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دشمنان می‌کنیم و معارضه می‌کنیم.^۳

۱. محمد امین امین، مجله حضور، «نهضت‌های بین‌المللی اسلامی و تأثیر آن بر نهضت

اسلامی اندونزی»، ش ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰.

۲. آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۹۰.

۳. صحیفه نور، ج ۳، ص ۳۹۰.

ضرورت الگوگیری از تجارب انقلاب اسلامی

با نگاهی به دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه‌های ملی و فرا ملی، به‌خوبی می‌توان به تجارب ارزشمند آن پی برد. با پیروزی انقلاب اسلامی، چشم‌های انقلابیون کشورهای همسایه ایران، به انقلاب اسلامی در ایران دوخته شد و در انتظار بهره‌گیری از تجارب آن برآمدند. ابراهیم جعفری، نخست وزیر سابق عراق، در نخستین اجلاس بین‌المللی اسلامی در تهران گفت:

استفاده از تجربه انقلاب اسلامی ایران برای حفظ انقلاب‌های نو با ضروری است. امروز ما باید یاد بگیریم که با مطالعه و بررسی انقلاب‌های گذشته و تجارب رهبران آنها، از جمله انقلاب اسلامی ایران، از این تجارب ارزشمند برای حفظ انقلاب‌های نو پا در منطقه استفاده کنیم. انقلاب اسلامی ایران جز انقلاب‌های بزرگ در تاریخ انقلاب‌های جهان است. ملت‌های منطقه باید از انقلاب اسلامی ایران درس بگیرند و آن را الگو قرار دهند. نمی‌توان شعارهای تاریخی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را که در قلب مردم جا گرفته است، نادیده گرفت. ملت‌های منطقه باید بدانند که درس گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و استفاده از تجارب این انقلاب، سبب ایجاد وحدت خواهد شد. حرکت عظیم بیداری اسلامی که در منطقه و جهان اسلام آغاز شده حرکتی مقتدر و گذرکننده است که تحت تأثیر عوامل خارجی قرار نخواهد گرفت و کسی قادر نخواهد بود این حرکت و جریان ارزشمند را به سرقت ببرد.^۱

یکی از رهبران مجلس اعلای عراق درباره درس گرفتن از انقلاب اسلامی در ایران می‌گوید:

۱. رک سایت ایکنا مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۶.

ما در آن موقع، می گفتیم اسلام در ایران پیروز شده است و به زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین، باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم.

بنابراین، امروز چشم دنیا به انقلاب اسلامی ایران دوخته شده است و ملت‌ها، ایستادگی ملت ایران را الگوی خود قرار داده‌اند. تأثیر حرکت و مقاومت مردم ایران در ملت‌ها، غیر قابل باور است، ملت‌های منطقه به آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران عشق می‌ورزند، زیرا مردم ایران به نام اسلام و با دست خالی در مقابل استکبار و صهیونیسم ایستادند و ۸ سال در مقابل جنگ همه‌جانبه مقاومت کردند.

شرایط و کیفیت انتقال تجربه‌های انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه
نزدیک شدن به ملت‌ها، نیاز به کار کارشناسی دارد. امروز رقابت بر سر انتقال حداکثری تجربه‌ها است. جمهوری اسلامی در حوزه انتقال تجارب خود با چالش‌هایی روبه‌رو است زیرا این که فقط تجربه‌ها را منتقل کند یا این که مانند غربی‌ها کاملاً بی‌پرده عمل کند که با ادبیات آنها هم‌خوانی نداشته باشد، راه به جایی نخواهد برد. انتقال تجارب باید با ادبیات و فضای حاکم بر کشورهای دیگر سازگار باشد.

ما باید به گونه‌ای تجارب خود را منتقل کنیم که به دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بهانه ندهیم، زیرا در این صورت به هدف نهایی ما که همانا عزت اسلام و وحدت مسلمین است، ضربه وارد می‌شود؛ چرا که تبلیغات مؤثر علیه ما وجود دارد.^۱

۱. از مصاحبه با حجت الاسلام احمد مبلغی، رئیس سابق پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی.

مردم‌سالاری اسلامی، برخاسته از آموزه‌های اسلامی است. مردم مسلمان از آن‌جا که دنبال اسلام هستند، از مردم‌سالاری اسلامی استقبال خواهند کرد. هوش‌مندانه‌ترین روش، آن است که میانگین مطالبات ملت‌های به پا خواسته را کارشناسی و تدوین کنیم و از طریق آن به ملت‌ها نزدیک شویم تا آنها در مقابل ما موضع نگیرند.

شرایط انقلاب‌ها، شرایط جغرافیایی، شرایط منطقه‌ای، دشواری‌های فرازروی انقلاب‌ها و ده‌ها مؤلفه و متغیر دیگر باعث می‌شود این ملت‌ها شعارها و ادبیاتی را بروز دهند. ادبیات تحول، فرمایشی نیست و کسی نمی‌تواند ادبیاتی را تحمیل کند. باید برای انتقال تجربه‌های خود، ادبیات این انقلاب‌ها را الگویی که هست، ببینیم.

باید در ارتباطات خود با دولت جدید، خط قرمزها را به حداقل برسانیم و اگر برای این ارتباطات یک فرصت قائل هستیم، باید بدانیم که این مقطع، هنگامه و زمانه دیپلماسی و فعال کردن آن است. این کافی نیست که ما از دور بنشینیم و به طرح دعای بردازیم، بلکه باید نزدیک شویم و با این انقلاب‌ها ارتباط برقرار کنیم.

بر این اساس، انتقال تجربه اگر لباس علمی و دانشگاهی و فقهی و حوزوی بپوشد، حساسیت بسیار پایین‌تری به خود می‌گیرد و زمینه فراهم می‌شود تا تجارب جمهوری اسلامی بهتر منتقل شود. در فضاهای آکادمیک، تحمیل وجود ندارد، بلکه مسائل در بحث و گفت‌وگوهای علمی پیش می‌رود. باید قواعد گفت‌وگوی علمی را همانند ائمه‌پیشین رعایت کنیم. فضای آکادمیک، فرصت‌های پربار و سرشار از ظرفیتی را فرازروی ما می‌گشاید. ما در این فضا بیش از دیگران امکان تلاش و ارتباط و گفت‌وگو داریم؛ در حالی که رقبای ما در این زمینه روش‌های

برملا شده و نخ‌نماشده‌ای دارند. اگر این مباحث آکادمیک را رها کنیم و بیداری اسلامی را محدود به مباحث سیاسی ببینیم، نه تنها از آن فرصت‌ها استفاده‌ای نکرده‌ایم، حتی آنها را از دست خواهیم داد.

زمینه‌ها و علایق فرهنگی، هم کاربرد بیشتر و هم تناسب بیشتری با انتقال پیام‌ها و بحث و گفت‌وگو بین شیعه و سنی دارد. هیچ‌گاه نباید این نکته را در مورد ملت‌های مسلمان و غیر شیعه فراموش کنیم که ما مشترکاتی داریم و هر مقدار از سقف مشترکات ما تأمین شود، می‌تواند در خلق حرکت امت محور اسلامی معجزه بیافریند. عالم حوزوی در ایران هیچ‌گاه نباید تصور کند که علمای کشورهای دیگر هم باید همانند ما بیندیشند، بلکه باید به نقاط مشترک در مردم سالاری اسلامی توجه کرد که البته بسیار هم فراوان است.

هدف ما از حضور در فضای بین‌المللی اسلامی باید چند سویه باشد. همه پیروان مذاهب اسلامی باید از ارتباط با ما نفع ببرند. این هدف قابل تحقق نیست، مگر این که ما نقاط مشترک مذاهب را شناسایی کنیم.

راه و روش انتقال تجارب، در گرو کارهای نرم افزاری است. این تجارب را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. تجارب انقلاب؛ ۲. تجارب نظام‌سازی. تجارب انقلاب اسلامی یا انحراف‌های انقلاب مشروطه و دیکتاتوری رضاخان و شناخت حیل‌های استعمار، جزء تجارب تاریخی ایران است.

ما در زمینه نظام‌سازی از دیگر کشورهای اسلامی جلوتر هستیم. مصداقش هم این است که ما توانسته‌ایم قانون اساسی خود را بر اساس شریعت اسلام بنا کنیم یا این که ما تجاربی مانند بانکداری اسلامی و هنر اسلامی داریم.

در حال حاضر، یکی از مشکلات جدی کشورهای اسلامی نداشتن نظریه‌ای اسلامی برای انقلاب است. وقتی از برخی انقلابیون این کشورها پرسیده می‌شود که برنامه شما برای بعد از پیروزی در انقلاب چیست؟ پاسخ می‌دهند که ما در انتخابات شرکت می‌کنیم و سعی می‌کنیم که آدم‌های صالح را روی کار بیاوریم. مردم ایران نظام فاسد را زیر و رو کردند، اما اینها می‌خواهند با قواعد دموکراسی جلو بروند. احزاب سیاسی و روشن‌فکرهای متدین در کشورهای اسلامی شاید جلوتر باشند و ممکن است که در برخی موارد موفق بشوند، اما باز در فضای غربی‌ها کار می‌کنند.

نکته قوت نظریه بیداری اسلامی این است که ما خودمان در آن صورت مسئله را مطرح می‌کنیم و دیگر نیازی به پاسخ‌گو بودن به غرب نیست؛ در حالی که تا وقتی در زمین دموکراسی هستیم، مجبوریم به غربی‌ها پاسخ‌گو باشیم. در نظریه بیداری اسلامی، غربی‌ها باید به ما پاسخ‌گو باشند. در این نظریه ما خودمان می‌توانیم مفاهیم را باز تعریف کنیم و دیگر آزادی مترادف با معنای غربی آن نیست و معنای بی‌بندوباری نمی‌دهد، بلکه ما تعریف خود را از آزادی ارائه می‌کنیم.

نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مطرح شده است. این بیداری از گذشته وجود داشته، اما وقوع انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در روند آن بوده است. منظور ما از نظریه در این جا یعنی این بحث، یک بحث علمی و با چارچوب و ضوابط کاملاً مشخص است؛ صرفاً بازتابی سیاسی و بین‌المللی و اجتماعی نیست، بلکه مبانی و روش‌های علمی خودش را دارد. به قولی، بیداری اسلامی، یک دکترین است.

بیداری اسلامی، چشم‌اندازهای آینده ما را نیز در بر می‌گیرد و برخورد و مشکلی با نظریات چشم‌اندازی ما ندارد؛ مثلاً تشیع، آینده جهان را در مهدویت می‌بیند. پیروزی نهایی حق بر باطل و حکومت یک امام معصوم بر جهان و نابودی قدرت‌های ظالم، در این نظریه وجود دارد. بنابراین، ما می‌توانیم مهدویت را هم در افق بیداری اسلامی تحلیل کنیم.

یکی دیگر از مفاهیمی که در نظریه بیداری اسلامی وجود دارد، واژه «تمدن نوین اسلامی» است. بیداری اسلامی فقط در حده نظام و نهضت اسلامی متوقف نمی‌شود، بلکه تمدنی اسلامی بنا خواهد کرد که با تمام تمدن غرب درمی‌افتد و «صحوة الاسلامیة» به «حضارة الاسلامیة» تبدیل می‌شود. در افق نظریه بیداری اسلامی، تمدن آینده، تمدن اسلامی است، نه تمدن غرب.

عواقب عدم انتقال تجارب انقلاب اسلامی

امروز دو رقیب برای جریان اسلام‌خواهی وجود دارد: ۱. کشورهای غربی: غربی‌ها با پوشش حداکثری رسانه‌ها و با امکانات نظامی و سیاسی و دیگر امکانات خود، توانسته‌اند افرادی را به جای دیکتاتورهای سرنگون شده به ملت‌ها معرفی کنند. کشورهای غربی حداکثر توان خود را برای بهره‌گیری از فرصت‌ها به کار می‌گیرند. یکی از خواسته‌های غربی‌ها این است که تا سر حده امکان رنگ و بوی اسلام‌خواهی در آینده کشورهای منطقه به حداقل برسد. غربی‌ها می‌خواهند دیدگاه‌های خودشان را در قالب اسلام غیر اجتماعی و فردی و خصوصی‌شده تقویت کنند.

یکی از ابزارهای غرب برای تحقق این هدف، استفاده از برخی

کشورهای منطقه و دخالت و ایفای نقش این کشورها است. غرب در این وضعیت که دامنه این انقلاب‌ها رو به گسترش است، قصد دارد حدود این انقلاب‌ها را مشخص کند و اجازه سرایت این انقلاب‌ها به دیگر کشورهای منطقه را ندهد. ابزار دیگر غرب، معرفی الگوهای حکومتی سکولار یا حتی اسلام سکولار است که می‌کوشند آن را در نقطه مقابل روح بیداری اسلامی قرار دهند.

۲. وهابیت: وهابیت را باید فراتر از کشور سعودی در نظر گرفت سؤال این است که آیا وهابیت در مواجهه با این انقلاب‌ها از فرصت برخوردار شده یا این که تهدید شده است؟ از آن جا که اصل وقوع این انقلاب‌ها، خارج از گفتمان جمودگرایانه و یک‌سونگرانه و قرائت‌های خشن و غیر اجتماعی و مرتجعانه وهابیت است، وهابیت در مواجهه با این انقلاب‌ها با چالش گسترده‌ای روبه‌رو شده است. مقاومت حکومت سعودی در برابر این انقلاب‌ها و فعالیت‌های گسترده این رژیم برای پیشگیری از سرایت آن به دیگر کشورهای عربی، به‌ویژه دخالت نظامی آنان در بحرین، به دلیل هراس از به خطر افتادن حکومت سعودی و تفکر وهابیت در منطقه است. بنابراین، اصل وقوع این انقلاب‌ها برای وهابیت، چالش‌آور و نقدکننده است.

اکنون زمینه‌های شکل‌گیری وحدت اسلامی در سطحی وسیع فراهم آمده است؛ وحدتی که در قدیم، آرزوی دیرینه و تاریخی بسیاری از مصلحان جامعه بوده است. این انقلاب‌ها به چیزی جز وحدت اسلامی نخواهد رسید؛ وحدت اسلامی پایدار و پویا که احترام ملت‌ها و مذاهب در آن حفظ شود و کشورهای منطقه در آن به سطح مشترکی از مطالبات اسلامی و از جمله مطالبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دست یابند.

و هابیت با وحدت اسلامی مشکل اساسی دارد. رویکردها و جهت گیری های و هابیت به سمت چند پاره کردن و رویارویی ملت ها با یکدیگر است. بنابراین، و هابیون تلاش می کنند تا این وحدت محقق نشود.

وظایف حوزه های علمیه در انتقال تجارب

حوزه باید با توجه به اقتضانات آینده و شناخت و استخراج ابعاد بین المللی اسلام، برنامه ریزی کند. البته برنامه ریزی و اجرا، کافی نیست، بلکه باید نهاد یا نهادهایی را ایجاد کرد که دائماً در حال رصد واقعیت ها و اطلاعات و تحولات عرصه بین الملل باشند. این رصد باید مستمر باشد. دستگاه رصد کننده باید آن قدر مجهز به عناصر لازم و آگاهی و هوشمندی باشد که بتواند واقعیت در حال تحول در فضای بین الملل و نو شدن آن را رصد کند.

رهبر معظم انقلاب، حضور در فراگیرترین فضاهاى اسلامى را توصیه مى کند. نکته جالب تر و مهم تر، توجه به اقتضانات این حضور است. حضور در فضای فراگیر، اقتضاناتی دارد. ما وقتی در فضای عام قرار می گیریم، باید مدل تعاملی قابل تحقق میال شیعه و سنی را ارائه کنیم. برای این مهم لازم است هدف خود را از حضور در فضاهاى بین المللی مشخص کنیم. حضور ما باید در جهت بالاترین خدمت به اسلام، قرآن و پیامبر اسلام ﷺ باشد. باید این خدمت را به گونه ای حداکثری ارائه کنیم تا اهل سنت احساس کنند اسلامشان تعالی پیدا کرده است. بنابراین، باید قاعده «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» را هدف قرار دهیم.

حوزه های علمیه که وظیفه تبیین اندیشه های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را بر عهده دارند، امکانات، فرصت ها و ظرفیت های تاریخی

بسیاری برای دستیابی به شناخت هرچه عمیق‌تر از این آموزه‌ها را در اختیار دارند. این نهاد باید دو تحول در خود ایجاد کند: ۱. تحول حوزه‌ها در ساز و کارها و شیوه‌ها و هزینه‌ها و بودجه‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم برای شناخت عمیق و مناسب وضعیت بین‌المللی، لازم است. داشتن فرصت و توان و ظرفیت، گام نخست است. گام دوم نیز این است که متناسب با نیازهای جامعه امروز، به‌خصوص نیازهای منطقه، مطالعات عمیق خود را سامان دهد.

۲. تحول دومی که باید در حوزه رخ دهد، تحول معطوف به عرضه این خروجی‌ها و نتایج معطوف به شناخت آموزه‌های اسلامی است. ما در زمینه عرضه با کمیتی‌های بسیاری مواجه هستیم. این عرضه شامل یک مقوله وسیع از ارتباط‌گیری، نوع ارتباط‌گیری، حجم ارتباط‌گیری و کیفیت برقراری ارتباط داخل با خارج است.

ما نه امکان شناخت کافی را فراهم کرده‌ایم و نه توانسته‌ایم در زمینه عرضه فعالیت‌ها، برنامه‌ای حساب‌شده و تعریف‌شده و فراگیر را تهیه کنیم. از این جهت، بسیاری از آنچه که نزد ما به عنوان مکتب اهل بیت وجود دارد، ناشناخته مانده است. نباید بگذاریم فرصت‌های فراروی ما، بدون آن‌که از آنها استفاده‌ای برده باشیم، از دست برود.

درباره تحقیق

۱. سؤال اصلی

تجارب انقلاب اسلامی (قبل و بعد از پیروزی) کدامند؟

۲. سؤال‌های فرعی

ضرورت بررسی نقش و جایگاه انقلاب اسلامی چیست؟

برخورد دشمنان انقلاب اسلامی با آن، به چه شکل بوده است؟
ضرورت الگوگیری از تجارب انقلاب اسلامی چیست؟

پیشینه تحقیق

در زمینه تدوین تجارب انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مختلف آن کار تحقیقی ویژه‌ای تاکنون صورت نگرفته است و برخی از مجموعه‌های تدوین یافته در موضوعات دستاوردهای انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی آن بوده که برخی از آنها به صورت سطحی و موضعی انجام یافته است. در بسیاری از نشریات و مجلات، مقاله‌ها و مصاحبه‌هایی درباره انقلاب اسلامی منتشر شده است.

روش تحقیق

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با فرونشستن التهابات سیاسی، در عرصه‌های مختلف جامعه و آشکار شدن نتایج بررسی‌ها و تحقیقاتی که انجام شده است، ماهیت و سطح بهره‌برداری از تجارب گران‌قدر انقلاب اسلامی تحت تاثیر قرار گرفته است و هر گونه بررسی و ارائه تحلیل در این حوزه، بدون توجه به نتایج این تحقیقات و آثار منتشره در این باره، نتیجه نخواهد داشت و مورد توجه مخاطبان قرار نخواهد گرفت. چارچوب مطالعاتی این نوشتار، «تجارب مثبت انقلاب اسلامی و تأثیرات راهبردی آن در منطقه و جهان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون» است.

با توجه به فضای انقلابی‌گری در کشورهای منطقه با عنوان جنبش‌های بیداری اسلامی، انتقال تجارب انقلاب اسلامی ایران می‌تواند

حائز اثر در روند پیروزی این جنبش‌ها قرار گیرد. تاکنون در صدور انقلاب، تجارب انقلاب در زمان‌های مختلف، کارکرد خود را نشان داده‌اند و نقش اساسی در بیداری ملت‌ها داشته است و ولی هنوز برای تبدیل آنها به متون آموزشی و آموزه‌های نهادینه شده در ساختارهای فرهنگی اجتماعی، اقدام اساسی انجام نشده است.

جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش و تحقیق با روش‌های مشاهده، کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای انجام شده است. مشاهدات ۳۳ ساله از وقایع انقلاب اسلامی و پیامدهای آن، تحلیل و بررسی‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی و مشاهده تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های کلان در این زمینه پیشنهاد می‌شود تا تحقیق قرار گرفته است.

علاوه بر این، دسترسی به منابع آشکار و طبقه‌بندی شده، شناخت بیشتر از ماهیت موضوعات مورد تحقیق تصمیم‌گیری‌ها را ممکن ساخته است. مهم‌تر از موارد یاد شده، مصاحبه و گفت‌وگو با صاحب‌نظران، امکان شناخت بهتر از لایه‌های زیرین و ابعاد تفکرات و روش‌ها در انتخاب گزینه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را فراهم کرده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به تناسب موضوع و مباحثی که در فصل‌های مختلف دنبال خواهد شد، متفاوت است.

مواعی برای انجام این تحقیق وجود داشته که در روند تحقیق و بررسی تجارب، تأثیرگذار بوده و مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند:

۱. انقلاب اسلامی در مرحله توصیف و تجزیه و تحلیل قرار دارد و در پاره‌ای موارد از منظرهای سیاسی - فرهنگی، پرسش‌هایی مطرح است. در نتیجه، ادبیات موجود در زمینه موضوع تحقیق، بسیار ضعیف است و هنوز اقدام و تلاش جدید و اساسی در این زمینه نشده است.

۲. اطلاعات در پاره‌ای از مباحث اساسی و حساس، ناقص است و بنا به ملاحظات، روایت‌هایی مختلف از موضوعی واحد عرضه می‌شود. این کاستی، امکان روشن شدن موضوع را تا اندازه‌ای ضعیف می‌کند.

۳. برخی مباحث در موضوع تجارب انقلاب اسلامی در برخی عرصه‌ها در حوزه تصمیم‌گیری و بررسی آنها، دارای طبقه‌بندی است و طرح آنها به صورت شفاف و روشن، دشوار است.

دو این تحقیق، از روش مطالعه و بررسی گزینه‌ها در فرآیند تکمیل تحقیقات و تجربیات در بررسی موضوعات و مسائل انقلاب اسلامی استفاده شده و از نظریه یا روش خاصی تقلید نشده است.

ساختار پژوهش

سازماندهی تحقیق و عنوان‌بندی کتاب با توجه به رویکردی جدید به موضوعات تجارب انقلاب اسلامی در دو مقطع زمانی انتخاب شده است. ملاحظات مورد نظر در این تحقیق تحت عنوان روش تحقیق بیان شده و مطالب اصلی در دو بخش سازماندهی شده است.

کلیات و مفاهیم: موضوعات بررسی شده در کتاب، در این قسمت از منظر بررسی‌های نظری و ضرورت‌های پژوهشی آن و عواقب عدم انتقال تجارب و نقش حوزه علمیه ملاحظه شده است.

بخش اول: تجارب انقلاب اسلامی قبل از پیروزی، پژوهش اصلی این بخش است. این مباحث در سه فصل مجزا و مستقل پی‌گیری شده است.

فصل اول: فصل اول کتاب بر موضوع توانمندسازی ظرفیت‌های اجتماعی توسط امام خمینی در جریان راه‌اندازی انقلاب اسلامی متمرکز است. در این فصل، ضمن تحلیل و اهمیت موضوع رهبری و مرجعیت

شیعی، به بررسی برخی تجارب، نظیر: مساجد به عنوان کانون مبارزه، آگاهی‌بخشی توده‌های اجتماعی توسط روحانیت و استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی زنان و عدم اثبات نظریه جدایی دین از سیاست پرداخته شده است.

فصل دوم: موضوع اصلی در این فصل، فرهنگ مبارزه در اندیشه و عمل امام خمینی در تقابل با رژیم پهلوی، نظیر: تحقیر استکبار جهانی و شکسته‌شدن ابهت پوشالی آنان و پرهیز از مبارزه مسلحانه و تأکید بر پیروزی استراتژی خون بر شمشیر و استفاده از ایام و نمادهای مذهبی است.

فصل سوم: در این فصل، شیوه‌های رویارویی نیروهای اجتماعی در مبارزه با رژیم پهلوی پژوهش شده و در آن به تأسی به قیام عاشورا به عنوان محوریت مبارزه، اعتصاب عمومی کارکنان دولت، افشاگری علیه جنایات و سیاست‌های ظالمانه پهلوی، استقلال‌طلبی و نفی ابرقدرت‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه پرداخته شده است.

بخش دوم: در این بخش، تجارب انقلاب اسلامی در مقطع زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در چند فصل واکاوی و بررسی شده است.

فصل اول: در این فصل به رویکردها و رفتارهای سیاسی اجتماعی امام خمینی به عنوان مقدمات راه‌اندازی حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه، نظیر: تشکیل شورای انقلاب، انقلاب فرهنگی تشکیل دادگاه‌های انقلاب اسلامی و محاکمه سران جنایتکار رژیم پهلوی، اتکا به آرای عمومی (دفراندوم) و حضور روحانیت در نظام اسلامی و مبارزه با اسرائیل پرداخته شده است.

فصل دوم: در این فصل، پس از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی

به نهادسازی انقلابی در عرصه سیاسی - فرهنگی - اقتصادی و امنیتی توسط امام خمینی پرداخته شده و نمونه‌ها و مصادیق هر یک به صورت مستقل بررسی شده است.

فصل سوم: در این فصل، به تجارب انقلاب اسلامی در مهار تهدیدهای داخلی و خارجی پرداخته شده است. انقلاب اسلامی با دستاوردهای متنوع و گران‌سنگی که در صحنه ملی - منطقه‌ای و بین‌المللی به جای گذاشت، تهدیدی برای دشمنان خود به شمار می‌رفت که ادراک این تهدید موجب واکنش و در نتیجه، پیدایش بحران گردید و تصاعد کنش و واکنش‌ها در تعامل عمیق و پیچیده بحران را گسترده و به جنگ هشت ساله تبدیل کرد.

بر این اساس، جنگ تحمیلی حاصل شکل‌گیری تهدیدات و تشدید آن و تبدیل آن به بحران و سپس جنگ بود. ماهیت بحران و جنگ تحمیلی (دفاع مقدس) بین‌الدول بود، ولی ابعاد بین‌المللی پیدا کرد؛ زیرا گسترش بحران و جنگ میان دو کشور، به گسترش دامنه جنگ در عرصه‌های زمینی، هوایی و دریایی منجر و حتی مناطق غیرنظامی و مردم بی‌دفاع را شامل شد و عراق از سلاح‌های شیمیایی نیز به طور گسترده استفاده کرد.

تجارب تدوین شده از منظر انقلاب اسلامی، الگو و تحلیلی واحد برای همه کشورها ندارد. به همین دلیل، نسبت به هر یک از تجارب در بخش‌های دوگانه، نسبت به کشورهای در حال انقلاب باید بررسی جداگانه‌ای انجام داد. این مرحله به دلیل این که در امتداد تجربه‌ای تاریخی است و می‌تواند بر شکل‌گیری آینده تأثیر گذار باشد بسیار حائز اهمیت است.

نوع تحقیق

این تحقیق با توجه به روش تحقیق آن، دارای ابعاد راهبردی (Strategic) و کاربردی (Applied) است و در سطح‌های توصیفی (Descriptive)، تبیینی (Explanatory) و تجویزی (Prescriptive) انجام گرفته است.

حسن ختام

در پایان، لازم می‌دانم از مدیر پژوهشکده انقلاب اسلامی، دکتر مهدی افیدی و ریاست گروه روحانیت و حوزه‌های علمیه، حجت الاسلام هادی کیانپور که در به سامان رساندن این تحقیق مرا تشویق و راهنمایی کردند، تشکر ویژه کنم.

همچنین از همه افرادی که در فیش‌برداری، تحقیق و مصاحبه، این‌جانب را یاری کردند تشکر و قدردانی به عمل آورم. نیز از آقایان علی اصغر رستمی، علی جمالی قر، محمود دیانت، حسن نوروزی و عبدالرضا موحد و خانم‌ها فردوس لامی زاده، هباءالسادات حسینی، تقدیر و تشکر می‌کنم.

امیدوارم اگر خیری در این نوشتار باشد، خداوند متعال ثواب آن را به مؤسس و بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه هدیه کند.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا سلامت دارش.

محمد مهدی بهداروند